

«ریتم» در موسیقی ایران

فرهاد فخرالدینی



فصل دوم

ریتم کنونی موسیقی ایران

در ایران و در ممالک مختلف در جستجوی هارمونی بخصوصی برای نتهای موجود در گام موسیقی شرق میباشند که اغلب این نتها با نتهای دیاتونیک اختلاف فاحش دارد. بدون شك امکانات وسیعی در این باره موجود است که تعلق بزمان گذشته نداشته و مبنای توسعه موسیقی در آینده خواهد شد.

با وجودیکه در این زمینه سعی وافر بکار میرود ولی هنوز موسیقی مشرق که نمونه جامع آن موسیقی ایرانی است دارای خصوصیات موسیقی يك صدائی باقی مانده و چه از حیث نظری و چه از حیث عمل این خصوصیات را حفظ کرده است. ولی شك نیست که محدود ماندن خصوصیات موسیقی شرق بملودی

باعث بسط آن از این نقطه نظر شده است و بمقیاس وسیعی در آن مهارت بکار رفته و غنی و ظریف گردیده است. تمام مهارت نظری دان از لحاظ تشریح و تقسیم فواصل گام و تمام احساس هنرمند نوازنده بر روی ملودی متمرکز شده است بنابراین بسیار طبیعی بنظر میرسد که در چنین نوع موسیقی نقش ریتم در درجه اول اهمیت باشد.

موسیقی کنونی ایران شامل ردیف موسیقی - آهنگهای عامیانه - آهنگهای زورخانه - آهنگهای تعزیه و آهنگهای حرفه‌ای میباشد که بدون شك هر کدام از آنها خود بتنهایی میتواند موضوع جداگانه‌ای برای بحث و تحقیق باشد و نگارنده ناچار بطور خلاصه درباره هر کدام صحبت کرده و فقط بذکر نمونه‌هایی از هر کدام اکتفا خواهد شد و بحث مفصل درباره آنها بآینده موکول خواهد شد.

ریتم ردیف کنونی موسیقی ایران.

بطور کلی ردیف موسیقی ایران در قید و بند میزان بندی نیست (البته صرف نظر از گوشه‌های ریتمیکی که در میزانهای مخصوص می‌کنجند و بزودی از آنها صحبت خواهیم کرد) و مانند درجات گام آن میباشد که تا کنون خصوصیات خود را حفظ کرده و تا مپره نشده است. یعنی موسیقی ردیف ایران از هر دو محدودیت میزان بندی و تا مپرامان تا کنون مصون مانده است. و تقریباً دارای ریتم آزادی است و این ریتم با احساس نوازنده و یا خواننده بستگی دارد بدیهی است وزن شعری هم که خواننده آنرا می‌خواند در روی ریتم موسیقی بی‌اثر نخواهد بود.

و نسان دندی درباره ریتم چنین می‌گوید: «قدرت اسرار آمیز ریتم هیچگاه از اثر گذاشتن بر سر نوشت هنرها نمی‌ایستد غیر منطقی نیست اگر فکر کنیم که در آینده نیز مانند گذشته آزادی (از اصول میزان بندی) برقرار خواهد بود و ریتم از نو بر موسیقی حکومت خواهد کرد و آنرا از اسارتی که طی سه قرن گرفتار آن بوده است رهایی می‌بخشد و تسلط غاصبانه و رنج آور میزان را که متأسفانه بغلط هم تفسیر و درک شده است از بین می‌برد».

اگر بردیف موسیقی ملی ایران که از استادان فن باقیست نظری بیفکنیم

میبینیم از قطعاتی تشکیل شده که یا دارای میزان بندی میباشد و یا نمیباشد
اولی راقطعات ریتمیک و دومی را که دارای ریتم آزاد میباشد قطعات ملودیک
میگوئیم. حال اگر دقت بیشتری در این موسیقی بکنیم مشاهده خواهیم کرد
که در بعضی گوشه‌های آن اهمیت ریتم بقدری است که شخصیت آن گوشه بر ریتم
آن بستگی دارد مانند گوشه‌های کرشمه و زنگوله و غیره که بزودی درباره
آنها صحبت خواهد شد.

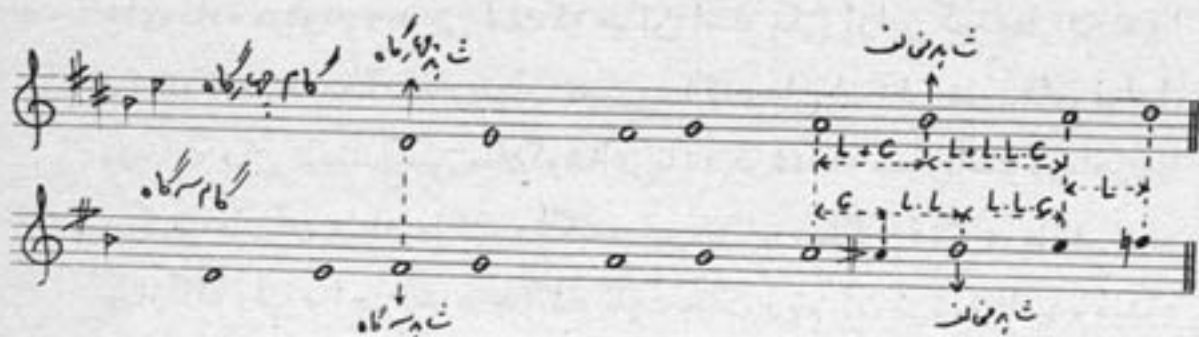
بطور کلی در ردیف موسیقی ایران دو قسم گوشه وجود دارد: ریتمیک و ملودیک.
گوشه‌های ملودیک گوشه‌هایی هستند که دارای گام (تترا کورد یا دانگ
یا ذوالاربع) معینی میباشند یعنی شخصیت آنها بستگی بفواصل درجات گام یا
تترا کورد و ارزش ملودی هر یک از درجات آن دارد. بعبارت دیگر در این
قبیل گوشه‌ها نسبت‌های فواصل درجات ثابت است فی‌المثل گوشه‌ئی مانند عشاق
دارای فواصل مشخص و ثابتی است و چه در دشتی و چه در هما یون و چه در اصفهان
اجرا شود دارای همان فواصل خواهد بود ولی بطوریکه بعداً خواهیم دید گوشه‌های
ریتمیک چنین نیستند (ناگفته نماند که بعضی از گوشه‌های ملودیک در دستگاه‌های
مختلف ممکن است جزئی اختلافی از نظر فواصل باهم داشته باشند. مثلاً گوشه
مخالف در چهار گاه با گوشه مخالف در سه گاه از لحاظ فواصل کمی با هم
اختلاف دارند یعنی فاصله شاهد مخالف چهار گاه که درجه ششم گام است
نسبت بدرجه هفتم فاصله طنینی با اضافه بقیه^۱ دارد که بزرگتر از فاصله پرده
است.

یعنی پرده بزرگ با اضافه لیما^۲ میباشند در صورتیکه شاهد مخالف سه گاه

۱- قدما فاصله پرده را طنینی و فاصله نیم پرده دیا تونیک را بقیه می‌گفتند که
مخفف طنینی (ط) و مخفف بقیه را (ب) و در ضمن فاصله پرده کروماتیک و پرده
کوچک را مجنب می‌گفتند که مخفف آن (ج) است.

۲- در اصطلاح آکوستیک (فیزیک صوت) فاصله نیم پرده دیا تونیک را لیما
و پرده بزرگ را دولیما با اضافه کما گویند. (کما اختلاف بین نیم پرده دیا تونیک و
کروماتیک و یا اختلاف بین پرده بزرگ و کوچک است) چون موضوع بحث درباره
ریتم است بیش از این مجال توضیح نیست.

که اوج یا اکتاوسه گاه می باشد تا درجه بعد از نت شاهد يك پرده فاصله دارد. و در عوض فاصله شاهد چهار گاه تا نت قبلی (L+C) و فاصله شاهد سه گاه تا نت قبلی (L+L) و گاهی (L.L.C.)^۱ است. و همینطور است زابل و بعضی دیگر از گوشه ها. از این اختلاف که چشم بپوشیم اختلاف مهم دیگری با هم ندارند.



ممکن است که جای دوسری در مخالف سه گاه گاهی بیشتر از دوسری معمولی (حقیقی) باشد و چنین تغییری را در اصطلاح آکوستیک «تولرانس» (la Tolérance) یا انحراف گویند که خود موضوع تحقیقی بسیار جالبی در موسیقی ایران است.

ممکن است گوشه های ملودیک را برای تنوع بصورت ریتمیک هم اجرا نمود مثلا گوشه گریلی که از درجه چهارم گام شور آغاز می گردد و خود در واقع دارای فواصل گام شور است که يك فاصله چهارم درست بالاتر اجرا میشود ممکن است علاوه بر اینکه بصورت آزاد اجرا می گردد بصورت موزون هم اجرا نمود که معمولا با میزانهای ساده دؤ ضربی مانند ۲/۴ ارائه داده میشود.



نمونه های متعددی میتوان از این مثالها آورد. بطور کلی گوشه های ملودیک در درجه اول دارای ریتم آزاد می باشند ولی ممکن است که آنها را

۱- در حالت بالارونده.

۲- در حالت پائین رونده.

در قالب میزانهای مختلف هم نشان داد.

گوشه‌های ریتمیک. شخصیت این گوشه‌ها همانطوریکه قبلا هم اشاره شد در ریتم آنهاست یعنی ریتم آنها معرف نام آنهاست. گوشه‌هایی مانند کرشمه، زنگوله، ساقی نامه یا صوفی نامه، چهارباغ یا چهارپاره و غیره از این قبیل گوشه‌ها هستند که با ریتم تقریبا واحدی در دستگاهها و گوشه‌های مختلفی جای داده میشوند و بدیهی است که ممکن است یکی از این گوشه‌ها در چندجا نواخته شود بدون آنکه ریتم آن تغییر پیدا کند ولی از نظر نسبت‌های فواصل درجات یکی نیستند یعنی مثلا گوشه‌ای مانند کرشمه که ممکن است در ماهور یا در گوشه‌های آن مانند دلکش و شکسته و غیره و یا در دستگاه دیگری مانند شور و چهارگاه و غیره اجرا شود، بعلمت ثابت بودن ریتم آن کرشمه نامیده میشود در صورتیکه فواصل درجات آن در دستگاهها و گوشه‌های مختلف برهمدیگر منطبق نیستند. حال برای روشن شدن مطلب چند نمونه از گوشه‌های نامبرده در بالا ارائه میشود.

اگر بردینها و دستگاههای موسیقی ملی ایران دقت کرده باشیم می‌بینیم که کرشمه خیلی زیاد بچشم می‌خورد. و معمولا ریتم آن سه ضربی یا بعبارت دیگر میزان ترکیبی دو ضربی مانند $\frac{6}{8}$ است که در بعضی نقاط قسمت قوی ضرب دوم بقسمت ضعیف ضرب اول مربوط شده و حالت سنکپ ایجاد میکند و اگر سه ضربی فرض کنیم هر میزان $\frac{6}{8}$ حامل دو میزان $\frac{2}{8}$ خواهد شد که البته میتوان بصورت $\frac{3}{4}$ هم نوشت در اینجا ضرب قوی بوسیله عمل سنکپ بضرب ضعیف تبدیل میشود.

در شماره های گذشته کلمه «ایقاع» گاه بگناه بخطا «ایقاع» چاپ شده که بدینوسیله تصحیح میشود.